

## ارزیابی نقش رضایت‌مندی سکونتگاهی بر دلبستگی به مکان با تأکید بر مؤلفه‌های هویت‌ساز در محلات سنتی، مورد مطالعاتی: محله آقازمان شهر سنندج\*

شماره فرهاد<sup>۱</sup> - محمد جواد مقصودی تیلکی<sup>۲\*</sup> - معصومه هدایتی مرزبالی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی آیت الله آملی، آمل، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۰۲ تاریخ اصلاحات: ۹۸/۰۵/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۷/۰۱ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۹/۳۰

### چکیده

رشد افقی شهرها، تخریب منابع طبیعی، کاهش تراکم جمعیت در محلات سنتی شهرها، ساخت محیط‌های مسکونی سازگار با زندگی ساکنان و افزایش کیفیت زندگی از مهم‌ترین چالش‌های مدیریتی شهرهای ایران است. اگرچه پژوهش‌های مختلف متغیرهای مؤثر بر ارتقای دلبستگی به مکان یا نتایج ارتقای این حس را شناسایی نمودند، که همه آنان بر نقش سازنده ارتقای این حس بر کیفیت زندگی تأکید نمودند. اما، تأثیرگذاری مؤلفه‌های کالبدی مسکن بر میزان دلبستگی به مکان به صورت تجربی در میان ساکنان مورد سنجش قرار نگرفته است. لذا این پژوهش تلاش می‌نماید تا به بررسی نقش مؤلفه‌های هویت‌ساز کالبدی در رضایت‌مندی ساکنان از مسکن خود، و تأثیر این مؤلفه‌ها بر دلبستگی به محله را در میان ساکنان، مورد سنجش قرار دهد. ماهیت پژوهش از منظر هدف، کاربردی، روش انجام تحقیق، «توصیفی - پیمایشی» و ابزار گردآوری داده‌ها نیز مبتنی بر پرسشنامه است. جامعه آماری شامل کلیه ساکنان محله آقازمان بوده است و نمونه آماری شامل ۳۰۰ نفر از ساکنین می‌باشد که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. داده‌های تحقیق با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS) مورد تحلیل قرار گرفت که نتایج نشان می‌دهند، میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های هویت‌ساز بر رضایت از محله (۰.۵۸) و بر دلبستگی به محله (۰.۱۵) بوده است. نتایج با تأیید مدل پیشنهادی تحقیق تأیید می‌کنند که مؤلفه‌های هویت‌ساز از طریق رضایت از محله بر دلبستگی به محله تأثیر غیرمستقیم دارد. همچنین، نتایج تأیید می‌کنند که مؤلفه‌های هویت‌ساز با اثرگذاری بر ارزیابی‌های عینی و ذهنی، و ارتقای رضایت‌مندی از مسکن ساکنان بر حس دلبستگی به مکان اثر می‌گذارد. بر پایه نتایج این تحقیق، درک مثبت از کیفیت محیط مسکونی می‌تواند همبستگی معناداری با افزایش سطح دلبستگی به محله ایجاد کند که موجب افزایش ماندگاری در محله می‌شود.

واژگان کلیدی: وابستگی به مکان، رضایت‌مندی سکونتگی، مؤلفه‌های هویت‌ساز، سنندج.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول تحت عنوان «تبیین مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری در فرآیند شکل‌گیری هویت کالبدی برای افزایش حس تعلق به مکان در محلات سنتی (مطالعه موردی: محله آقازمان شهر سنندج)» است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری می‌باشد.

## ۱. مقدمه

تفاوت معنادار نیازها و انتظارات ساکنین با تجربه زندگی در محیط مسکونی‌شان، به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی در فرآیند بهبودی رضایت از محله مبدل شده است. مروری بر تحقیقات صورت گرفته در حوزه رضایت‌مندی از مسکن نشان می‌دهد که در عمده مطالعات صورت پذیرفته شده با دو رویکرد به مسئله نگریند؛ در رویکرد اول، سطح رضایت‌مندی از مسکن به‌عنوان یکی از معیارهای کیفیت زندگی، در رویکرد دوم، رضایت از مسکن به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده انواع رفتارها از جمله جابجایی مسکونی و اصلاح محل سکونت ساکنان در نظر گرفته شده است (Lee & Park, 2010, p. 44). بنابراین از این دو رویکرد می‌توان این‌گونه برداشت نمود که عواملی که موجب رضایت از مسکن و احساس دل‌بستگی در ساکنان می‌شوند، بر کیفیت از زندگی نیز تأثیر می‌گذارند. زیستن در محلات مسکونی مطلوب، رفته رفته به آرزوی بسیاری از افراد ساکن در کشورهای در حال توسعه مبدل می‌شود که به دلایل مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و کالبدی از تجربه زیستن در یک مکان مطلوب محروم بوده‌اند. عدم سیاست‌های توسعه‌ای در حوزه مسکن موجب شده تا با کاهش رضایت‌مندی سکونتی، شاهد افزایش فاصله بین آمال و آرزوهای ساکنان با واقعیت موجود در مسکن آنان باشیم که خود موجب بروز چالش‌ها و مسائل اجتماعی نظیر مهاجرت‌های درون شهری، اختلاف طبقاتی شدید اجتماعی و کاهش دل‌بستگی به مکان شهرهای کشورهای در حال توسعه منجر شده است.

نظر به این‌که، دل‌بستگی به محله و احساس تعلق به آن، موجب افزایش انگیزه در ساکنان و افزایش مشارکت اجتماعی می‌شود، بنابراین بهبودی دل‌بستگی به محله می‌تواند احیا و نوسازی محلات مسکونی را تسریع نموده و از طریق افزایش مشارکت، ضمن افزایش تحقق‌پذیری برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی، کیفیت زندگی ساکنان را بهبود ببخشد. بنابراین شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی و ایجاد دل‌بستگی به مکان در محلات یکی از مهم‌ترین اولویت برنامه‌ریزان و طراحان محیطی می‌باشد. مطالعات داخلی و خارجی بسیاری در خصوص ارتباط رضایت از مسکن و حس دل‌بستگی به مکان صورت پذیرفته است که عمده آنان بر ارتباط میان مشخصات فرد/ خانواده در نقل و انتقال مسکن تمرکز کردند. همچنین بررسی نظریه‌ها و مدل‌های مفهومی به‌کار رفته در تحقیقات با موضوع رضایت‌مندی از مسکن حاکی از آن بوده که تمام پژوهش‌ها در تلاش برای یافتن اطلاعاتی در مورد مؤلفه‌های محیط خانه بوده‌اند تا بدین‌وسیله مشخص شود که ساکنان برای تأمین نیازهای مسکونی فعلی، انتظارات و آرزوهایشان طی استفاده از آن مسکن و پس از آن، چه درک و ارزیابی‌هایی از این مؤلفه‌ها به‌عمل آوردند (Ibem & Aduwo, 2013, p. 70). برخلاف دیگر تحقیقات صورت

پذیرفته شده، آنچه در این مطالعه مورد توجه قرار خواهد گرفت سنجش تجربی تأثیرپذیری حس دل‌بستگی به محله و رضایت‌مندی از مسکن ساکنان محدوده مورد مطالعه از مؤلفه‌های هویت‌ساز کالبدی است. با توجه به هدف مذکور، تحقیق در قالب دو بخش کلی از منظر روش‌شناسی شکل گرفته است که بخش نخست، شامل مطالعات و بررسی اسنادی و بخش دوم شامل مطالعات پیمایشی و تحلیل داده‌های گردآوری شده می‌باشد.

## ۲. پیشینه تحقیق

در طی دهه اخیر، مطالعات گوناگونی به بررسی رضایت افراد از محله مسکونی‌شان پرداخته‌اند که این مطالعات میزان و چگونگی شکل‌گیری رضایت از محله را مشخص نمودند. اگرچه برخی از آن‌ها نیز مکانیسم‌هایی را تشریح کردند که مشخصات محله به‌واسطه آن‌ها بر رضایت از محله و مهاجرت از محله تأثیر می‌گذارد. روسی<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) در کتاب «چرا خانواده نقل مکان می‌کنند؟» عوامل اصلی تعیین‌کننده جابجایی مسکن را در مشخصات ساکنان مانند وضعیت اجتماعی، اقتصادی و تعداد افراد خانواده معرفی می‌کند که نتایج آن در مطالعات بعد از خود، مورد توجه محققان قرار گرفت. مطالعه انجام شده توسط انیبوکان<sup>۲</sup> (۱۹۷۴)، با ارائه رویکردی سیستمی، ارزیابی رضایت‌مندی مسکونی را در چهار مؤلفه اصلی شامل ساکنان، واحدهای مسکونی، محیط محله و شیوه‌های مدیریتی تعیین نمود (Ibem, Ayo-Vaughan, Oluwunmi, & Alagbe, 2019, p. 76). دیگر مطالعات محیط و همکارانش<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) نیز از نظریه نقصان مسکن<sup>۴</sup> موریس و وینتر<sup>۵</sup> در تحقیقات رضایت‌مندی از مسکن استفاده نمودند. نظریه نقصان مسکن تلاش می‌کند تا توضیح دهد، ساکنان، وضعیت مسکن خود را بر مبنای یک سری هنجارهای نهادینه شده در خانواده مانند عوامل اجتماعی، اقتصادی، روانشناختی و هنجارهای اجتماعی که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی بر کیفیت زندگی‌شان دارند، ارزیابی می‌کنند. موریس و وینتر (۱۹۷۵) اینگونه استدلال کردند که در فرآیند ارزیابی محیط مسکونی، اگر ساکنین با هر گونه ناسازگاری بین شرایط مسکونی خود و هنجارهای اجتماعی خانوادگی شان مواجه شوند، پس نقصان مسکن وجود دارد، که این اختلاف می‌تواند منجر به عدم رضایت‌مندی از مسکن شود (Ibem & Amole, 2013, p. 564). این بدان معناست که رضایت‌مندی مسکونی را می‌توان تحت عنوان میزان تطابق شرایط مسکونی ساکنان با هنجارهای اجتماعی و خانوادگی آن‌ها نیز ارزیابی کرد. همچنین دسته‌ای دیگر از تحقیقات، رضایت‌مندی از مسکن را از منظرهای مختلفی مانند هویت مکان، حس اجتماع و وابستگی به مکان منتقل کرده‌اند. در این راستا اسکنل و گیفورد<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) دریافتند که تجسم کردن مکانی که فرد به آن احساس دل‌بستگی دارد می‌تواند رضایت او را از نیازهای روانشناختی مهم

گالستر<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۷) ارائه شده نیز در ارتباط است، این مدل اظهار می‌کند که مردم، محیط زندگی خود را از طریق مقایسه آن با یک سری استانداردهای نهادینه شده یا ویژگی‌های مرجع که آرزوی رسیدن به آن‌ها را دارند، ارزیابی می‌کنند. از این رو می‌توان رضایت‌مندی سکونتگی را به‌عنوان سنجش سطح سازگاری بین شرایط مسکونی واقعی و شرایط مسکونی مورد نظر ساکنان در نظر گرفت. در واقع مفهوم این مدل اشاره به این موضوع دارد که رضایت‌مندی از مسکن را می‌توان تحت عنوان ارزیابی دلبستگی به مکان ساکنان در نظر گرفت همچنین این مدل نشان می‌دهد که کیفیت مؤلفه‌های مختلف فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی محیط زندگی ساکنان، تا چه حد برای تأمین آمال و آرزوهای‌شان در زمینه مسکن کفایت می‌کند (Ibem & Aduwo, 2013, p. 71).

وجود یک سری مشخصات فیزیکی، سهم به‌سزایی در تشکیل جوامع منسجم از لحاظ اجتماعی دارد. از آنجایی که دو جنبه شناسایی شده دلبستگی به مکان پیوند اجتماعی و ریشه داری فیزیکی می‌باشد. بنابراین، دلبستگی به محله با ارتباط فیزیکی و اجتماعی بین افراد و محیط اقامتشان مرتبط است. از لحاظ فیزیکی محله اغلب به یک ناحیه مسکونی اطلاق می‌شود در حالی که از نظر اجتماعی مکانی با تعاملات اجتماعی است که هر دو شاخصه اجتماعی - اقتصادی و فیزیکی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در دلبستگی آن شناسایی شده‌اند.

دلبستگی به محله به‌عنوان یکی از جنبه‌های دلبستگی به مکان در محیط‌های شهری متمرکز می‌شود و از لحاظ مقداری قابل اندازه‌گیری بوده و نقش به‌سزایی در سطح تعامل اجتماعی در محله‌های شهری دارد. در عین حال پیوندهای شکل گرفته در محله نیز، بهترین عامل تأثیرگذار در دلبستگی به محله است (Lewicka, 2010, p. 40). بنابر آنچه بیان شد، روابط میان مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری دلبستگی به مکان و رضایت‌مندی از مسکن از مطالعات مختلف استخراج شد که چارچوب نظری تحقیق بر این اساس شکل گرفته است (شکل ۱). نظر به اهمیت رابطه بین مؤلفه‌های فیزیکی هویت‌ساز و دلبستگی به محله در شکل‌گیری پیامدهای مثبت مانند: سلامت و مشارکت در اجتماع، تحقیق پیش رو تلاش نموده است تا همه ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر را از منابع معتبر استخراج و گردآوری نماید. در همین راستا، همبستگی‌های محیط مصنوع در رضایت از محله معمولاً بر دو گروه از متغیرهای تشریحی متمرکز می‌شوند: مشخصات عینی، مشخصات ذهنی محله‌ها و انواع مختلفی از عوامل نظیر: فضای فعالیتی، محیط اجتماعی، بهم پیوستگی محله و پیوند مردم با محیط سکونتشان. به دلیل شرایط مختلف تجربیات شخصی ساکنان، درک این مشخصات عینی در بین ساکنان متفاوت است. تفاوت ادراک‌ها، مشخصات فردی مختلف و استانداردهای درونی منجر به ارزیابی‌های مختلفی از مشخصات محله می‌شود.

مانند عزت نفس، تعلق و معنا را افزایش دهد (Cao, Wu, & Yuan, 2018, p. 421). مروری بر تحقیقات مختلف در خصوص رضایت‌مندی از مسکن نشان می‌دهد که این رضایت، تحت تأثیر رضایت از عوامل ویژگی‌های واحدهای مسکونی، محیط محله، خدمات و امکانات محله و مؤلفه‌های مدیریتی می‌باشد همچنین دلبستگی مسکونی می‌تواند رضایت از محیط مسکونی را افزایش دهد.

### ۳. چارچوب نظری تحقیق

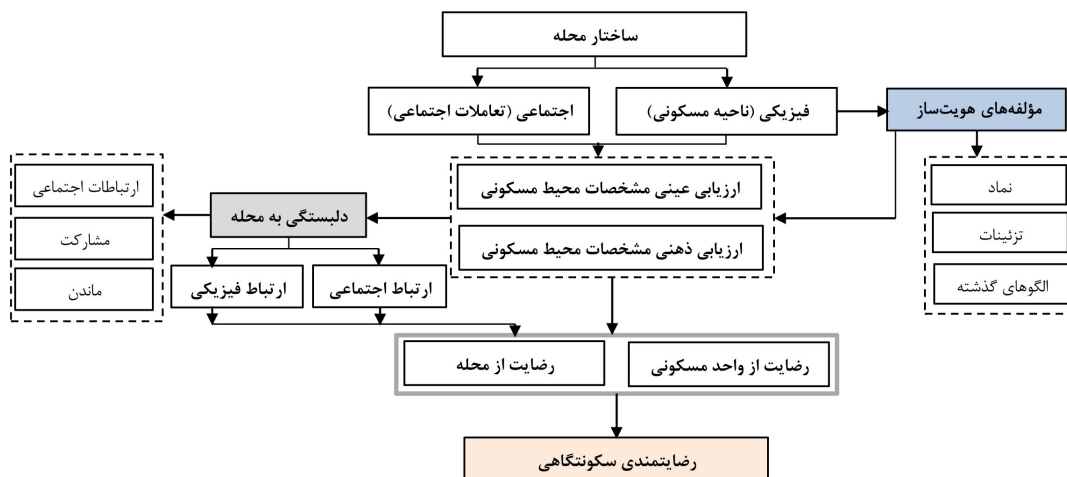
رضایت از مسکن به‌عنوان پارامتری جهت سنجش میزان رضایت ساکنین از وضعیت مسکن شناخته می‌شود و شکاف درک شده بین نیازها و انتظارات پاسخ‌دهندگان و واقعیت محیط فعلی سکونت را انعکاس می‌دهد. عواملی که بر رضایت از مسکن و کیفیت زندگی در ساکنان تأثیر می‌گذارند در بین حوزه‌هایی است که با کیفیت زندگی در اشتراک و ارتباط هستند. در تحقیق لی و پارک<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۰) که به ارزیابی رابطه میان رضایت از مسکن و کیفیت زندگی در ایالات متحده آمریکا پرداخت، مدل کمبل و همکارانش<sup>۱۵</sup> (۱۹۷۶) مبنای مدل مفهومی تحقیق، قرار گرفت که در این مطالعه، مشخصات ساکنان به‌عنوان متغیرهای برون‌زا، ادراک از مسکن و رضایت از مسکن به‌عنوان متغیرهای واسطه و کیفیت زندگی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. نتایج تحقیق نشان داد که ۱. مشخصات ساکنان، ادراکات از مسکن و محله و رضایت از مسکن، ارتباط مستقیمی با کیفیت زندگی دارند؛ ۲. ادراکات از مسکن و محله، واسطه تأثیرگذاری مشخصات ساکنان بر کیفیت زندگی هستند و ۳. رضایت از مسکن، واسطه تأثیر مشخصات ساکنان، ادراکات از مسکن و محله بر کیفیت زندگی است. همچنین مشخصات کالبدی و اجتماعی محله، نقش قابل توجهی در رضایت‌مندی سکونتگاهی دارند. بنابراین به نظر می‌رسد که رضایت از محله، ارتباط مثبتی با رضایت از مسکن داشته باشد (Lee & Park, 2010, p. 49).

از سوی دیگر، مسکن به‌عنوان مکان سکونت افراد و محیط محله، دارای شاخصه‌ها و کاراکترهای فضای اجتماعی، اقتصادی و همچنین کالبدی اختصاصی است که می‌تواند بر منازل مسکونی و ساکنان آن‌ها تأثیر بگذارد. در مطالعه‌ای، کارو و گارسیا<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۷) و راسل و پارت<sup>۱۷</sup> (۱۹۸۰) از چشم‌انداز مدل عاطفی - شناختی<sup>۱۸</sup> بهره جستند؛ تا نشان دهند که معانی که ساکنان به محیط زندگی خود نسبت می‌دهند، نتیجه ارزیابی‌های دلبستگی‌شان است. از سوی دیگر، بیانگر ارزیابی‌های عینی از مؤلفه‌های مختلف محیط مسکونی می‌باشد که شامل تحلیل مقایسه‌ای بین آنچه که ساکنان دارند و آنچه که باید داشته یا آرزویش را دارند، است (Mohit, Ibrahim, & Rashid, 2010; Jan-sen, 2013). اصول اصلی مدل عاطفی - شناختی و نظریه نقصان مسکن، با مدل فاصله واقعیت - آرزو<sup>۱۹</sup> که توسط

و ادراک ذهنی و ارزیابی‌های این مشخصات چه تأثیری بر رفتار تطبیقی دارد. این نظریه‌ها نشان می‌دهند که رضایت از محله یک مکانیسم پیچیده است. فقدان این شناخت به‌طور بالقوه می‌تواند به مشکلات مختلفی منجر شود. دو تا از مشکلات متداول عبارت‌اند از: ۱. مطالعات ممکن است نتایج کم‌اهمیتی در رابطه با مشخصات عینی ارائه کنند و بدین ترتیب تأثیرات آن‌ها بر رضایت از محله دست کم گرفته شود؛ ۲. مشخصات مشابه در محله ممکن است سطوح مختلفی از تأثیر را بر رضایت از محله در محیط‌های مختلف داشته باشد؛ زیرا مشخصات فردی و استانداردهای درونی متفاوتی در ساکنان یک محله وجود دارد. همین مسئله توجیه می‌کند که چرا ساکنانی که در شرایط فقر زندگی می‌کنند نیز ممکن است از محیط سکونت خود رضایت داشته باشند (Cao, Wu, & Yuan, 2018, p. 421).

بر همین اساس مشخصات عینی یکسان در یک محله می‌تواند تأثیر متمایزی بر افراد مختلف داشته باشد که این تأثیرات ناشی از ادراکات ذهنی و ارزیابی‌های افراد است. مدل مفهومی مشابه «نظریه تنظیم مسکن»<sup>۱۴</sup> توسط وینتر و موریس ارائه شده است که محله را به‌عنوان مؤلفه‌ای از مشخصات مسکن در نظر گرفته است. این نظریه اظهار می‌کند که رضایت از مسکن به هم‌ترازی بین شرایط مسکن و هنجارهای فرهنگی که جایگزین استانداردهای داخلی در مدل کمبل هستند، بستگی دارد. اگر خانواده‌ها بین شرایط مسکن و هنجارهای فرهنگی متوجه ناهم‌ترازی شوند، که وینتر و موریس آن را «نقص مسکن» می‌نامند آنگاه رضایت از مسکن کاهش می‌یابد. کاهش رضایت می‌تواند به رفتارهای تنظیمی ساکنان از قبیل نقل مکان منجر شود. در تمام نظریه‌های بالا تمرکز بر این است که مشخصات عینی چگونه بر رضایت از محله تأثیر می‌گذارد

شکل ۱: چارچوب نظری تحقیق



SPSS24 و AMOS22 انجام شد.

#### ۴. روش تحقیق

همان‌گونه که پیشتر بیان شد، تحقیق از منظر هدف کاربردی می‌باشد و روش انجام تحقیق نیز توصیفی و پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل همه افراد بزرگسال ساکن در محله آقازمان شهر سنندج در نیمه اول سال ۱۳۹۷ می‌باشد. علاوه بر داده‌های ثانویه که از نشریات، کتب، گزارشات رسمی نهادها و موسسات اجرایی و سیاستگذاری به دست آمد، تحقیق از ابزار پرسشنامه و مشاهده مستقیم به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات داده‌های اولیه استفاده نموده است. براساس آخرین آمار رسمی تعداد افراد ساکن در این محله برابر ۴۲۷۰ نفر بوده که نمونه آماری این تحقیق شامل ۳۰۰ نفر از افراد بزرگسال ساکن در این محله است. پارامتر نمونه‌گیری به‌صورت کمی بوده و واحد نمونه‌گیری تحقیق، فرد می‌باشد. که از شیوه تصادفی برای تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. همچنین تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری

#### ۴-۱- اهداف و فرضیه تحقیق

هدف کلی در این مطالعه بررسی نقش مؤلفه‌های هویت‌ساز کالبدی در ایجاد رضایت‌مندی ساکنان از مسکن خود و سنجش تأثیر این مؤلفه‌ها بر دلبستگی به محله در میان ساکنان است. که در درجه اول نیازمند مطالعه و بررسی شاخص‌های مؤثر در ایجاد رضایت‌مندی نسبت به محله و دلبستگی به آن است. جهت نیل به هدف تحقیق، این تحقیق باید بتواند به سه سؤال پاسخ دهد؛ در همین راستا، در سؤال اول، تأثیرات مؤلفه‌های هویت‌ساز کالبدی بر دلبستگی به محله سکونتشان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در سؤال دوم، تحقیق تلاش خواهد کرد تا تأثیرگذاری مؤلفه‌های هویت‌ساز کالبدی را بر سطح رضایت‌مندی ساکنان مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد. در آخرین پرسش تحقیق، چگونگی ارتباط میان رضایت از

#### ۴-۲- متغیرهای تحقیق و ابزار اندازه‌گیری داده‌ها

همانگونه که بیان شد، این تحقیق تلاش می‌کند، تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز کالبدی بر حس دل‌بستگی به محله و رضایت‌مندی از مسکن ساکنان محله آقازمان را بیازماید. از این رو، در چارچوب نظری تحقیق و پیشینه تحقیق پارامترها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری دل‌بستگی به مکان و بهبودی رضایت از مسکن میان ساکنان، تشریح و بیان شده است.

محله ساکنان و دل‌بستگی ساکنان به محله مورد راستی آزمایشی قرار می‌گیرد. بنابراین، با طرح سه فرضیه فرآیند تحقیق ادامه یافت. در فرضیه اول، تحقیق تأثیرگذاری مؤلفه‌های هویت‌ساز بر افزایش دل‌بستگی به محله را فرض نمود. در فرضیه دوم، تحقیق این‌گونه فرض نمود که مؤلفه‌های هویت‌ساز کالبدی محلات می‌توانند با تأثیر مثبت، موجبات ارتقای رضایت‌مندی از محله مسکونی را افزایش دهد. و بالاخره در فرضیه سوم، این پژوهش افزایش رضایت ساکنین از محله را عامل ارتقای دل‌بستگی به محله فرض نمود.

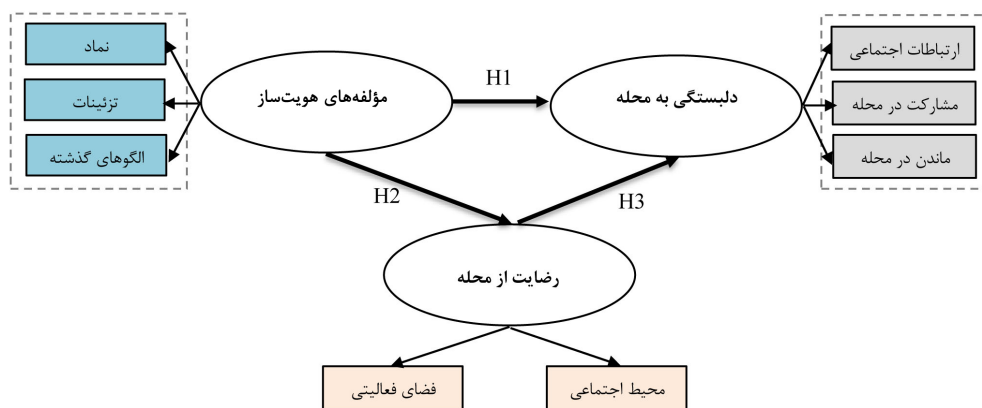
جدول ۱: عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی و ارتقاء حس دل‌بستگی

| منابع   | شاخص                         | متغیر              |
|---|------------------------------|--------------------|
| Bemania, KHolami Rostam, & Rahmatpanah, 2010                          | نماد<br>ترئینات              | مؤلفه‌های هویت‌ساز |
| Anton & Lawrence, 2014  | الگوهای گذشته                | رضایت از محله      |
| Lewicka, 2010; Liu, Wu, Liu, & Li, 2017; Shumaker & Taylor, 1983      | محیط اجتماعی<br>فضای فعالیتی |                    |
| ;Lewicka, 2010 Bonaiuto, Fornara, & Bonnes, 2003                      | ارتباطات اجتماعی             | دل‌بستگی به محله   |
| Anton & Lawrence, 2014; Mesch & Manor, 1998                           | مشارکت در محله               | ماندن در محله      |
| Clark, Duque-Calvache, & Palomares-Linares, 2017; Mesch & Manor, 1998 | ماندن در محله                |                    |

تحقیق، فرضیات تحقیق به شرح ذیل می‌باشد.  
H1. مؤلفه‌های هویت‌ساز بر دل‌بستگی به محله تأثیر دارد.  
H2. مؤلفه‌های هویت‌ساز بر رضایت از محله تأثیر دارد.  
H3. رضایت از محله بر دل‌بستگی به محله تأثیر دارد.

از این رو، شکل ۲ تجمیع عوامل تأثیرگذار بر دل‌بستگی را در سه مؤلفه، مؤلفه‌های هویت‌ساز (متغیر مستقل)، رضایت از محله (متغیر وابسته)، و دل‌بستگی به محله (متغیر وابسته) نشان می‌دهد. باتوجه به مدل مفهومی

شکل ۲: مدل مفهومی پژوهش



سؤالات محدود‌های از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف، درجه‌بندی و پاسخ‌ها از نظر عددی ارزش‌گذاری شدند. پرسشنامه در سه دسته سؤالات مربوط به، متغیرهای مؤلفه‌های هویت‌ساز، رضایت‌مندی و دل‌بستگی به محله از ساکنان پرسش شد. سؤالات از تحقیقات معتبری در زمینه

همان‌گونه که بیان شد از ابزار پرسشنامه برای سنجش مدل و فرضیات تحقیق استفاده شده است که برای تهیه پرسشنامه نخست، پیشینه نظری و تجربی مرتبط با موضوع مطالعه شد سپس پرسشنامه‌ای، بر طبق مقیاس اندازه‌گیری لیکرت بین گروهی از ساکنان توزیع شد و



رضایت از مسکن، هویت کالبدی و دل‌بستگی به مکان، رضایت از مسکن، هویت کالبدی و دل‌بستگی به مکان، الگوبرداری شدند (Bonaiuto, Fornara, & Bonnes, 2003; Chen, 2018; Clark, Duque-Calvache, & Palo- mares-Linares, 2017). و برای تعیین پایایی پرسشنامه نیز از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج‌های آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه

| عنوان              | تعداد سؤال | میزان ضریب آلفای کرونباخ |
|--------------------|------------|--------------------------|
| مؤلفه‌های هویت‌ساز | ۹          | ۰.۸۴۱                    |
| رضایت از محله      | ۶          | ۰.۷۸۴                    |
| دل‌بستگی به محله   | ۹          | ۰.۷۳۴                    |

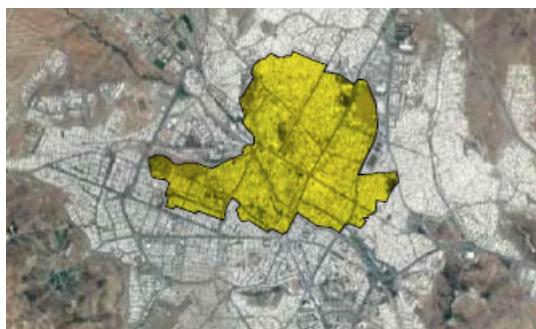
ضرایب آلفای گزارش شده در جدول فوق نشان می‌دهد که همه خرده مقیاس‌های پرسشنامه تحقیق از پایایی قابل قبول برخوردار هستند و میزان آلفای همه آن‌ها از حداقل معیار قابل قبول یعنی ۰.۷۰ بیشتر هستند.

جدول ۳: دسته‌بندی سؤالات مرتبط با متغیرهای پرسشنامه

|   |
|---|
| <p><b>مؤلفه‌های هویت‌ساز (نماد)</b></p> <p>خانه احمدزاده به‌عنوان نماد و یکی از نشانه‌های اصلی این محله است. برای دادن آدرس می‌توان از خانه‌های قدیمی (مانند: احمدزاده و غیره به‌عنوان نشانه به دیگران در این محل استفاده کرد). خانه احمدزاده به‌عنوان نماد و یکی از نشانه‌های اصلی این محله است.</p>   |
| <p><b>مؤلفه‌های هویت‌ساز (تزئینات)</b></p> <p>ساختمان‌های قدیمی این محله دارای جزییاتی است که آن را از دیگر محلات مشخص می‌کند. از دیدن تزئینات در بدنه ساختمان‌های قدیمی لذت می‌برم. تزئینات معماری (آجرکاری، سردرها) ساختمان‌های این محله را می‌شناسم.</p>   |
| <p><b>مؤلفه‌های هویت‌ساز (الگوهای گذشته)</b></p> <p>استفاده از خصوصیات نماهای بناهای قدیمی در ساختمان‌های جدید باعث بالا بردن ارزش معماری این محله می‌شود. استفاده از خصوصیات نماهای بناهای قدیم را در ساختمان‌های جدید می‌پسندم. از دیدن نمای ساختمان‌های قدیمی این محله لذت می‌برم.</p>               |
| <p><b>دل‌بستگی به مکان (ارتباطات اجتماعی)</b></p> <p>دوستانم/خانواده‌ام ناراحت می‌شوند اگر من از محله آقامان بروم. اگر من از این محله بروم ارتباطم را با دوستانم از دست می‌دهم. بسیاری از دوستانم/خانواده‌ام آقامان را به بقیه محله‌های شهر ترجیح می‌دهند.</p>  |
| <p><b>دل‌بستگی به مکان (مشارکت در محله)</b></p> <p>دوست دارم در مراسم‌های مولودی خانی محله خودمان شرکت کنم. اگر در محله‌ام روشنائی معابر خراب شود سریعاً پیگیری می‌کنم تا مشکل برطرف شود. همسایگان اغلب در صورت نیاز به هم کمک می‌کنند.</p>   |
| <p><b>دل‌بستگی به مکان (ماندن در محله)</b></p> <p>هرگز حاضر به ترک محله خود نیستم. اگر فرصتی پیش بیاید دوست دارم از این محله بروم. به‌خاطر علاقه زیادی که به این محله دارم حاضر به ترک این محله نیستم.</p>  |
| <p><b>رضایت از محله (محیط اجتماعی)</b></p> <p>من از زندگی در محله آقامان راضی هستم. به‌خاطر وجود همسایگان خوب از این محله راضی هستم. از امنیت این محله راضی هستم.</p>   |
| <p><b>رضایت از محله (فضای فعالیتی)</b></p> <p>به‌خاطر نزدیکی این محله به بازار از زندگی در این محله راضی هستم. خدمات ارائه شده در این محله (نانوایی، مدرسه، بازار و غیره) رضایت‌بخش است و این باعث علاقمندی من به این محله شده است. نزدیکی محل کار و زندگی‌ام باعث علاقمندی من به این محله شده است.</p> |

صاحبان آن، قابل توجه و ماندگار بوده است. بافت این محله، متشکل از کوچه‌های باریک و عنکبوتی است و از دو بخش تشکیل شده است، بخش اول شامل ساختمان‌های تاریخی مربوط به دوره قاجار که تعدادشان کم نیست و به ثبت ملی رسیده‌اند، که در شرایط کنونی به حال خود رها شده‌اند و ۵۰ درصد بافت بخش دوم، مسکونی است. خانه‌های با ارزش این محله بخشی از گنجینه پر بار تاریخ هنر و معماری این شهر می‌باشند که کم‌تر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

شکل ۴: موقعیت بافت قدیم شهر سنندج



نحوه زندگی ساکنان در این محله مشخص شد که اکثر اعضای نمونه دارای خانه قدیمی در محله آقا زمان هستند، ۲۱ درصد اعضا در خانه‌های جدید و زندگی را به تازگی در این محله آغاز کرده‌اند و اما ۴۸ درصد ساکنانی هستند که در خانه‌های جدید زندگی می‌کنند و قبل از این خانه‌ها هم در این محله ساکن بوده‌اند.

#### ۵-۱- بررسی شاخص‌های سه مؤلفه نماد، تزیینات و الگوهای گذشته

بر اساس نتایج به‌دست آمده میانگین مؤلفه الگوی‌های گذشته کمی بیشتر از دو مؤلفه دیگر یعنی نماد و تزیینات است.

جدول ۴: شاخص‌های توصیفی سه مؤلفه فرعی نماد، تزیینات و الگوهای گذشته

| متغیر         | تعداد | میانگین | انحراف معیار | کجی   | کشیدگی |
|---------------|-------|---------|--------------|-------|--------|
| نماد          | ۳۰۰   | ۳.۷۹    | ۰.۸۰         | -۰.۶۴ | ۰.۱۹   |
| تزیینات       | ۳۰۰   | ۳.۶۳    | ۰.۷۳         | -۰.۴۳ | ۰.۳۴   |
| الگوهای گذشته | ۳۰۰   | ۳.۸۷    | ۰.۹۲         | -۰.۸۷ | ۰.۵۰   |

۵-۲- براساس داده‌های جدول فوق مشارکت در محله برابر ۳.۹۲ است و نشان دهنده میزان بالای مشارکت در محله است.

جدول ۵: شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های مرتبط با سازه دلبستگی به محله

| متغیر            | تعداد | میانگین | انحراف معیار | کجی   | کشیدگی |
|------------------|-------|---------|--------------|-------|--------|
| ارتباطات اجتماعی | ۲۹۲   | ۲.۹۸    | ۰.۹۶         | ۰.۰۴  | -۰.۴۷  |
| مشارکت در محله   | ۲۹۲   | ۳.۹۲    | ۰.۸۳         | -۰.۶۳ | -۰.۱۰  |
| ماندن در محله    | ۲۹۲   | ۳.۱۵    | ۰.۸۱         | ۰.۲۸  | -۰.۰۹  |

#### ۳-۴- معرفی محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، محله آقا زمان شهر سنندج است که در حدود و موقعیت شکل ۳ نشان داده شده است. محله آقا زمان یکی از محلات مهم و اقلیت‌نشین این شهر است که در قلب بافت تاریخی قرار دارد و به دلیل مسافت کوتاه تا بازار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در گذشته، محل سکونت تجار و بازرگانان بوده است و از این رو معماری ساختمان‌های این محله به دلیل تمکین مالی

شکل ۳: موقعیت محله آقا زمان



#### ۵. یافته‌های پژوهش

در پیمایشی که بر روی ۳۰۰ نفر از ساکنان محله آقا زمان صورت گرفت، ۵۹ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۱ درصد از پاسخگویان را زنان تشکیل داده بودند. همچنین ۶۳ درصد از پاسخگویان متأهل و ۳۷ درصد از پاسخگویان مجرد بودند. بنابر اطلاعات به‌دست آمده از پرسشنامه ۱۴ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، ۳.۳۱ درصد دیپلم، ۱۹ درصد لیسانس و ۸ درصد فوق‌لیسانس بوده‌اند بیشتر اعضای این محله دارای شغل آزاد بوده‌اند (حدود ۴۷ درصد)، حدود ۱۷ درصد نیز کارمند و ۲۶ درصد اعضای نمونه هم بیکار هستند. از لحاظ بررسی انجام شده در خصوص مشخصات

۵-۲- شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های مرتبط با سازه دلبستگی به محله

۵-۳- شاخص‌های توصیفی سازه رضایت از محله  
براساس داده‌های فوق میانگین فضای فعالیتی بیشتر از میانگین محیط اجتماعی است.

جدول ۶: شاخص‌های توصیفی سازه رضایت از محله

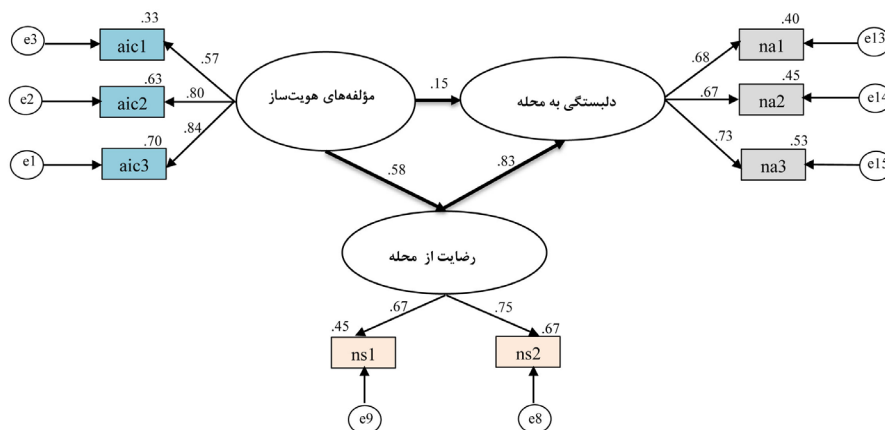
| متغیر            | تعداد | میانگین | انحراف معیار | کجی   | کشیدگی |
|------------------|-------|---------|--------------|-------|--------|
| ارتباطات اجتماعی | ۲۹۳   | ۳.۴۰    | ۰.۹۳         | -۰.۴۲ | -۰.۱۷  |
| فضای فعالیتی     | ۲۹۲   | ۳.۹۲    | ۰.۸۳         | -۰.۶۳ | -۰.۱۰  |
| نمره کل          | ۳۰۰   | ۳.۶۶    | ۰.۷۵         | -۰.۵۸ | -۰.۱۷  |

### ۶. یافته‌های استنباطی

دل بستگی به محله (متغیر وابسته یا درون‌زای اصلی) و رضایت از محله (متغیرهای میانجی) است، جهت آزمون مدل پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری با روش بیشینه درست‌نمایی استفاده شد.

فرضیه اصلی: مدل ساختاری پژوهش که شامل مؤلفه‌های هویت‌ساز کالبدی (متغیر مستقل یا برون‌زای اصلی)،

شکل ۵: مدل ساختاری پژوهش



در جدول زیر معناداری ضرایب بین سازه مکنون هویت با متغیرهای نشان‌گر مرتبط با آن ارائه شده است:

جدول ۷: معناداری ضرایب مدل‌های اندازه‌گیری

| مقدار بحرانی | خطای اندازه‌گیری | میزان برآورد | از سازه به مؤلفه                    |
|--------------|------------------|--------------|-------------------------------------|
| ۸.۷۴۶        | ۰.۰۶۹            | ۰.۶۰۰        | هویت ← نماد                         |
| ۹.۸۷۵        | ۰.۰۷۷            | ۰.۷۵۸        | هویت ← تزیینات                      |
| -            | -                | ۱            | هویت ← الگوهای گذشته                |
| ۸۰.۵۱۷       | ۰.۰۴۹            | ۳.۹۲۳        | رضایت از محله ← محیط اجتماعی        |
| ۶۲.۲۴۰       | ۰.۰۵۵            | ۳.۴۰۰        | رضایت از محله ← فضای فعالیت         |
| -            | -                | ۱            | دل بستگی به محله ← ارتباطات اجتماعی |
| ۸.۱۳۳        | ۰.۱۰۳            | ۰.۸۳۶        | دل بستگی به محله ← مشارکت در محله   |
| ۸۰.۷۶        | ۰.۱۱۳            | ۰.۹۱۵        | دل بستگی به محله ← ماندن در محله    |

جدول زیر معناداری ضرایب مسیر بین سازه‌های موجود در مدل ارائه شده است.

براساس داده‌های جدول فوق هر سه متغیر نشانگر تعریف شده برای سازه دل بستگی به محله معنادار هستند و بنابراین نشانگر مطلوبی برای سازه دل بستگی محسوب می‌شوند. در



جدول ۸: معناداری ضرایب غیراستاندارد مستقیم بین متغیرهای موجود در مدل

| سطح معناداری p | نسبت بحرانی (C.R) | خطا (S.E) | مقدار b | به متغیر        | به | از متغیر           |
|----------------|-------------------|-----------|---------|-----------------|----|--------------------|
| ۰.۰۱           | ۲.۹۴              | ۰.۰۵      | ۰.۱۵    | دلبستگی به محله | ←  | مؤلفه‌های هویت‌ساز |
| ***            | ۶.۶۱              | ۰.۰۸      | ۰.۵۸    | رضایت از محله   | ←  | مؤلفه‌های هویت‌ساز |
| ***            | ۶.۲۵              | ۰.۱۳      | ۰.۸۳    | دلبستگی به محله | ←  | رضایت از محله      |

\*\*\* p < 0.001

همان‌گونه که در داده‌های جدول فوق مشاهده می‌شود همگی معنادار هستند. در جدول ۹ ضرایب استاندارد مستقیم، غیرمستقیم و کل بین سازه‌ها ارائه شده است.

جدول ۹: اثرات استاندارد مستقیم و غیرمستقیم و کلی متغیرهای اصلی پژوهش

| از متغیر           | به سازه         | اثر مستقیم | اثر غیر مستقیم | اثر کل | واریانس تبیین شده |
|--------------------|-----------------|------------|----------------|--------|-------------------|
| مؤلفه‌های هویت‌ساز |                 | ۰.۱۵       | ۰.۵۶           | ۰.۷۱   |                   |
| مؤلفه‌های هویت‌ساز | دلبستگی به محله | ۰.۷۷       | ندارد          | ۰.۷۷   | ۰.۸۹              |
| رضایت از محله      | رضایت از محله   | ۰.۶۰       | ندارد          | ۰.۶۰   | ۰.۳۶              |

\*\*\* p < 0.001

بر اساس داده‌های جدول فوق تنها یک ضریب غیرمستقیم بین سازه مؤلفه‌های هویت‌ساز با دلبستگی به محله از طریق سازه‌های هویت‌ساز کالبدی و رضایت از محله وجود دارد.

جدول ۱۰: ضریب همبستگی متغیرها

| مؤلفه‌های هویت‌ساز | رضایت از محله | دلبستگی به محله |
|--------------------|---------------|-----------------|
| ۱                  | -             | -               |
| ۰.۴۰۶**            | ۱             | -               |
| ۰.۴۵۶**            | ۰.۶۳۰**       | ۱               |

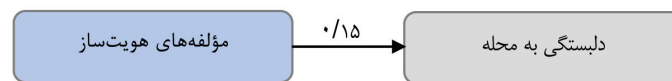
\*\* ضریب همبستگی در سطح (۰.۰۱) قابل توجه است.

با توجه به جدول فوق ضریب همبستگی پیرسون دلبستگی به مکان به رضایت از محله بیشتر از دو متغیر دیگر است.

## ۷. بحث و تحلیل

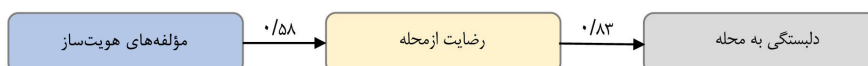
مدل مفهومی پژوهش حاضر از سه شاخصه اصلی مؤلفه‌های هویت‌ساز، دلبستگی به محله و رضایت از محله تشکیل شده است. در تحلیل‌های مبتنی بر معادلات ساختاری مشخص شد که ارتباط معناداری بین سازه‌های مکنون و متغیرهای نشانگر وجود دارد (جدول ۴-۶). در ارتباط با شاخص مؤلفه‌های هویت‌ساز، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار به ترتیب عبارت‌اند از: استفاده از الگوهای

گذشته، تزئینات و نمادها، در ارتباط با شاخص دلبستگی به محله، ماندن در محله، ارتباطات اجتماعی و مشارکت در محله به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در محله آقامان به‌دست آمده است. همچنین در خصوص رضایت از محله میانگین فضای فعالیتی بیشتر از میانگین محیط اجتماعی به‌دست آمده است. جدول ۷ نشان می‌دهد کلیه روابط موجود در مسیرهای بین متغیرهای پنهان معنادار هستند. همچنین بیشترین ضریب همبستگی بین متغیرها مربوط به همبستگی دلبستگی به مکان - رضایت از محله است. مبتنی بر مدل پژوهش دو مسیر تجمیعی را می‌توان بررسی کرد. مسیر اول: مسیر مؤلفه‌های هویت‌ساز - دلبستگی به محله.



بیشتری نسبت به مسیر اول است.

مسیر دوم: مؤلفه‌های هویت‌ساز - رضایت از محله - دلبستگی به محله که این مسیر نشان‌دهنده تأثیرگذاری



بنابراین یافته‌های استخراج شده از بطن تحلیل‌های آماری، نشان از ارتباط مؤلفه‌های هویت‌ساز در ایجاد دل‌بستگی به محله از طریق ایجاد رضایت‌مندی بیشتر در محله آقازمان دارد که این نتیجه، ارزش استفاده از مؤلفه‌های هویت‌ساز را در ایجاد دل‌بستگی به محله در بافت‌های تاریخی بیش از پیش نمایان می‌کند. در همین راستا و با توجه به یافته‌های مطالعات تجربی و نظری گذشته، یافته‌های تحقیق پیش رو حائز اهمیت می‌باشد. اگرچه هیچ یک از تحقیقات گذشته به ارتباط مؤلفه‌های هویت‌ساز بر دل‌بستگی به مکان نپرداختند، اما بخشی از نتایج تحقیق پیش رو در تأثیرگذاری کاراکترهای شخصیتی ساکنان بر رضایت‌مندی از مسکن، با یافته‌های مطالعات تجربی در دیگر کشورها مانند محبت و نزیاده<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۱)، آی بیوم و آدیو<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۳) و اسکنل و گیفورد (۲۰۱۷) همسو می‌باشد. این نتیجه از این منظر حائز اهمیت می‌باشد که ساختار اجتماعی و بسترهای فرهنگی در جوامع انسانی نقش بی‌بدیل در ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌های اجتماعی افراد ایفا می‌نماید و علی‌رغم تفاوت جغرافیا در تحقیقات پیشین و پژوهش کنونی، و تفاوت‌های بدیهی اجتماعی در رضایت‌مندی و هویت، نتایج همسو می‌باشد. در بخشی دیگر نیز نتایج تحقیق حاضر با دیگر نتایج تحقیقات هم‌راستا و واجد یک مفهوم واحد می‌باشد و مسکن شایسته در ایران و سایر جوامع، رضایت از زندگی را ارتقا می‌دهد. در همین راستا، چشمه زنگی (۲۰۱۵)، بیان کرد که ساختار مکان همواره در طی زمان دچار تغییر، اصلاح و تحول می‌شود و ویژگی‌های فیزیکی یک مکان برای آشکارسازی ارزش‌های رفتاری، اجتماعی و ادراکی ساکنان کاربران آن مکان حائز اهمیت بسیار می‌باشد. نتایج مطالعه کنونی نیز بر یافته‌های تحقیق چشمه زنگی صحنه‌گذارده و همسو با آن تأیید می‌کند که رابطه ای معناداری میان ویژگی‌ها و خصوصیات کالبدی محله مسکونی آقازمان با نحوه رفتار، کنش و واکنش کاربران آن محله وجود دارد. از سوی دیگر، همان‌گونه که اشاره شد، نصر و ماجدی (۱۳۹۲) در نتایج تحقیق خود تأیید می‌کند که حس مکان، هویت و کیفیتی که منجر به منحصر به فرد بودن هر شهری می‌شود، از جمله ویژگی‌هایی هستند که باید در نوسازی بافت‌های شهری مد نظر قرار گیرد. نصر و ماجدی (۱۳۹۲) در چرایی این ادعای خود، به برخی از نتایج احراز هویت مکانی همچون «این همانی با فضا»، تعلق مکان و تعلق خاطره اشاره می‌کند. یافته‌های تحقیق کنونی نیز با نتایج تحقیق نصر و ماجدی (۱۳۹۲) هم‌راستا می‌باشد و نتایج هر دو تحقیق بر رابطه مستقیم میان هویت‌بخشی بر افزایش دل‌بستگی به مکان اشاره دارد. علاوه بر تحقیقات اشاره شده، نتایج پژوهش اسکنل و گیفورد (۲۰۱۷) نیز بر تأثیر ویژگی‌های مکانی بر رضایت از محله و دل‌بستگی، به واسطه جنبه‌های اجتماعی تأکید دارند، رابطه‌ای که با نتایج این تحقیق هم‌راستا می‌باشد. در حوزه مطالعات

نظری نیز، نتایج این تحقیق با تحقیقاتی که پیرامون نظریه تنظیم مسکن توسط وینتر و موریس صورت گرفته یکسان می‌باشد. براین اساس می‌توان مدعی شد که اگرچه در نظریه تنظیم مسکن به مقوله هنجارهای جوامع انسانی گوناگون به‌عنوان یک متغیر نگریسته نشد اما علی‌رغم وجود متغیر هویت بخشی از منظر ساکنان، مجدداً نتایج با نتایج مطالعات پیرامون این نظریه هم‌راستا بوده است. اما در تحقیقات کنونی و تحقیقات گذشته، تفاوت‌های فرهنگی که ارتباط مستقیم در هویت دارد، تفاوتی ایجاد نکرده است که تحقیقات آینده می‌تواند به این مقوله بپردازند.

## ۸. نتیجه‌گیری

مطالعه رابطه بین مؤلفه‌های هویت‌ساز کالبدی، دل‌بستگی به محله و رضایت از محله پراهمیت هستند؛ زیرا ایجاد دل‌بستگی به مکان نسبت به خانه یا ناحیه محلی که منجر به رضایت سکونتگاهی می‌شود، با بسیاری از پیامدهای مثبت مانند سلامت و مشارکت در اجتماع در ارتباط است. سازمان کالبدی محله از جمله عواملی است که امکان ایجاد هویت و حس مکان را در بستر خود فراهم می‌سازد و حس دل‌بستگی به مکان را القا می‌کند. توجه به مؤلفه‌های هویت‌ساز در کالبد محلات و بررسی تأثیر عوامل مذکور و تعامل میان آن‌ها، نشان می‌دهد که چنانچه در ایجاد محلات به این معیارهای تأثیرگذار توجه شود کیفیت زندگی در آن‌ها ارتقا یافته به گونه‌ای که ساکنان از زندگی در این مکان‌ها احساس رضایت خاطر می‌کنند. در این تحقیق یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌های هویت‌ساز بر رضایت از محله به‌عنوان متغیر وابسته، و رضایت از محله نیز بر متغیر وابسته دل‌بستگی به محله دارای اثر مستقیم می‌باشند. رابطه مثبت بین رضایت‌مندی از مسکن بر دل‌بستگی به مکان، از چند جهت حائز اهمیت است: اول این‌که نشان داده است که استفاده از الگوهای گذشته و محیط اجتماعی مطلوب‌ترین تأثیر را در ایجاد رضایت از محله دارد. دوم نشان داد که، رضایت از محله اثر مستقیمی بر ایجاد دل‌بستگی به محله داشته و در ایجاد ماندگاری در محله مؤثر می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که رضایت از محله دارای یک مکانیسم پیچیده و چند بعدی است و از آنجایی که بافت محلات سنتی واجد ارزش‌های زیبایی‌شناختی، تداوم خاطرات جمعی و هویت بخش شهرها هستند فقدان شناخت در مورد این محلات به‌طور بالقوه می‌تواند به مشکلات مختلفی چون مهاجرت‌های درون شهری، اختلاف شدید طبقاتی، عدم تعلق خاطر، و منجر به روند فرسودگی بافت با سرعت بیشتری شود. بنابراین نتایج این تحقیق می‌تواند مورد استفاده مشاوران و متولیان بازآفرینی این بافت‌ها قرار گیرد و پایداری این گونه پروژه‌ها را افزایش داده و آن‌ها را قرین موفقیت گرداند. در راستای تحقق اهداف این پژوهش پیشنهاد می‌شود به

می‌تواند به بررسی نقش نمادها در طراحی کالبد مسکونی در جهت ارتقا دل‌بستگی به محلات سنتی را که از محور این بحث خارج است مورد کنکاش قرار دهد.

مواردی همچون دل‌بستگی‌های فردی و گروهی به محلات، فراهم نمودن کیفیت محیطی مطلوب، تأکید بر نقش عناصر هویت بخش در کالبد‌های مسکونی و تأکید بر نقش فرهنگ در محلات توجه شود. پژوهش آتی در این زمینه

## پی‌نوشت

1. Rossi
2. Onibokun
3. Mohit et al.
4. Housing Deficit Theory
5. Maurice & Winter
6. Scannell & Gifford
7. Lee & Park
8. Campbell et al.
9. Caroa & Gracia
10. Russell & Pratt
11. Affective-Cognitive Model
12. Actual-Aspirational-Gap Model
13. Galster
14. Theory of Housing Adjustment Developed
15. Mohit & Nazyddah
16. Ibem & Aduwo

## REFERENCES

- Anton, C.E., & Lawrence, C. (2014). Home is Where the Heart Is: The Effect of Place of Residence on Place Attachment and Community Participation. *Journal of Environmental Psychology*, 451-461. <https://www.science-direct.com/science/article/pii/S0272494414000954>
- Bemanian, M.R., KHolami Rostam, N., & Rahmatpanah, H. (2010). Identity-Maker Components in the Iranian Houses Traditional Architecture, "Case Study: Rasoolian House". *Two Quarterly Studies in Islamic Art*, 7(3), 55-68. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=147699>
- Bonaiuto, M., Fornara, F., & Bonnes, M. (2003). Indexes of Perceived Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in Urban Environments: A Confirmation Study on the City of Rome. *Landscape and Urban Planning*, 65(1-2), 41-52. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0169204602002360>
- Campbell, A., Converse, P.E., & Rodgers, W.L. (1976). *The Quality of American Life: Perceptions, Evaluations, and Satisfactions*. Russell Sage Foundation.
- Cao, X., Wu, X., & Yuan, Y. (2018). Examining Built Environmental Correlates of Neighborhood Satisfaction: A Focus on Analysis Approaches. *Journal of Planning Literature*, 33(4), 419-432. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0885412218765443>
- Caro, L.M., & Gracia, J.A.M. (2007). Cognitive-Affective Model of Consumer Satisfaction. An Exploratory Study within the Framework of a Sporting Event. *Journal of Business Research*, 60 (2007), 108-114. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0148296306001767>
- Chen, N., & Dwyer, L. (2018). Residents' Place Satisfaction and Place Attachment on Destination Brand-Building Behaviors: Conceptual and Empirical Differentiation. *Journal of Travel Research*, 57(8), 1026-1041. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0047287517729760>
- Cheshmehzangi, A. (2015). Urban Identity as a Global Phenomenon: Hybridity and Ontextualization of Urban Identities in the Social Environment. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 25, 391-406. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10911359.2014.966222>
- Clark, W.A., Duque-Calvache, R., & Palomares-Linares, I. (2017). Place Attachment and the Decision to Stay in the Neighbourhood. *Population, Space and Place*, 23(2), 1-16. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/psp.2001>
- Galster, G. (1987a). *Homeowners and Neighborhood Investment*. Durham, NC: Duke University Press.
- Ibem, E.O., & Aduwo, B.E. (2013). Urban Housing and Social Development in Nigeria: Issues and Prospects. *Developing Countries, Political, Economic and Social Issues*, Hauppauge: Nova Publishers, 69-96
- Ibem, E.O., & Amole, D. (2013). Residential Satisfaction in Public Core Housing in Abeokuta, OgunState, Nigeria. *Social Research Indicators*, 113(1), 563-581. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11205-012-0111-z>
- Ibem, E.O., Ayo-Vaughan, E.A., Oluwunmi, A.O., & Alagbe, O.A. (2019). Residential Satisfaction Among Low-Income Earners in Government-Subsidized Housing Estates in Ogun State. *Nigeria, Springer Science*, 30(1), 75-96. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12132-018-9337-4>
- Jansen, S.J. (2013). Why is Housing Always Satisfactory? A Study into the Impact of Preference and Experience on Housing Appreciation. *Social Indicators Research*, 113(3), 785-805.
- Lee, E., & Park, N. (2010). Housing Satisfaction and Quality of Life among Temporary Residents in the United States, *Housing and Society*, 37(1), 43-67. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/08882746.2010.11430580>
- Lewicka, M. (2010). What Makes Neighborhood Different From Home and City? Effects of Place Scale on Place Attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), 35-51. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494409000449>
- Liu, Y., Wu, F., Liu, Y., & Li, Z. (2017). Changing Neighbourhood Cohesion under the Impact of Urban Redevelopment: A Case Study of Guangzhou, China. *Urban Geography*, 38(2), 266-290. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/02723638.2016.1152842>
- Mesch, G.S., & Manor, O. (1998). Social Ties, Environmental Perception, and Local Attachment. *Environment and Behavior*, 30, 504-519. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/001391659803000405>
- Mohit, M.A., & Nazyddah, N. (2011). Social Housing Programme of Selangor Zakat Board of Malaysia and Housing Satisfaction. *Journal of Housing and the Built Environment*, 26(2), 143-164. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10901-011-9216-y>
- Mohit, M.A., Ibrahim, M., & Rashid, Y.R. (2010). Assessment of Residential Satisfaction in Newly Designed Public Low-Cost Housing in Kuala Lumpur, Malaysia. *Habitat International*, 34, 18-27. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0197397509000447>
- Morris, E.W., & Winter, M. (1975). A Theory of Housing Adjustment. *Journal of Marriage and the Family*, 37(1), 79-88. <https://www.jstor.org/stable/351032?seq=1>
- Nasr, T., & Majedi, H. (2013). The Analysis of the Concept of Identity in Paradigm Assessment in Enlivening the Urban Life. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 5(11), 269-277. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=241825>

- Onibokun, A.G. (1974). Evaluating Consumers' Satisfaction with Housing: An Application of a System Approach. *Journal of the American Institute of Planners*, 40(3), 189-200. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01944367408977468>
- Rossi, P.H. (1980). *Why Families Move*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Russell, J.A. & Pratt, G. (1980). A Description of the Affective Quality Attributed to Environments. *Journal of Personality and Social Psychology*, 38(2), 311-322. <https://psycnet.apa.org/record/1981-07970-001>
- Scannell, L., & Gifford, R. (2017). Place Attachment Enhances Psychological Need Satisfaction. *Environment and Behavior*, 49 (4), 359-89. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0013916516637648>
- Shumaker, S.A., & Taylor, R.B. (1983). Toward a Clarification of People-Place Relationships: A Model of Attachment to Place. *Environmental Psychology: Directions and Perspectives*, 2, 19-25.

#### نحوه ارجاع به این مقاله

فرهاد، شراره؛ مقصودی تیلکی، محمد جواد و هدایتی مرزبالی، معصومه. (۱۳۹۹). ارزیابی نقش رضایت‌مندی سکونتگاهی بر دل‌بستگی به مکان با تأکید بر مؤلفه‌های هویت‌ساز در محلات سنتی، مورد مطالعاتی: محله آقازمان شهر سنندج. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۳(۳۲)، ۲۵۵-۲۶۷.

DOI: 10.22034/AAUD.2019.163953.1760

URL: [http://www.armanshahjournal.com/article\\_120087.html](http://www.armanshahjournal.com/article_120087.html)





